

نگاهی بر تفاوت های زن و مرد از دیدگاه نهج البلاغه

- ۱- امین شهسواری گوغری: عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان
- ۲- سمیه رشیدی: - دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان
- ۳- جواد موحدی نیا: - دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان
- ۴- احسان شهسواری گوغری: عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان

چکیده

در قرآن و نهج البلاغه مطالب بسیاری در خصوص زنان بین شده است از جمله بیان تفاوت های زنان و مردان که در خطبه ۸۰ نهج البلاغه نیز به چشم می خورد. در یک نگاه مغرضانه به این خطبه زنان را دارای کاستی های فراوان می یابیم حال آنکه با نگرشی دقیق و عالمانه در این مطلب و آیات قرآن به مفهوم واقعی آن خواهیم رسید. هر چند تا کنون کمتر به تفسیر این خطبه و نگاه موشکافانه در تفاوت های بر شمرده شده آن پرداخته شده و بیشتر سعی شده تا این تفاوتها به اثبات رسد.

واژه های کلیدی: زن ، ارث ، نقص ، نهج البلاغه

ترجمه خطبه ۸۰ نهج البلاغه

ای مردم زنان از نظر ایمان و بهره اقتصادی و موهبت عقل ، کاستی هایی دارند ؛ اما کاستی ایمان آنان بدلیل آن است که از نماز و روزه در ایام عادت باز می مانند ، و گواه کاستی عقول آنان این است که شهادت دو نفر از آنان همچون شهادت یک مرد است اما کاستی بهره اقتصادی آنها دلیل اش این است که سهم ارث آنان ، نصف سهم مردان است . حال که چنین است از زنان بد بیرهیزید و مراقب نیکان آنها باشید و در اعمال نیک (به صورت بی قید و شرط) از آنان اطاعت نکنید . تا در انجام منکرات طمع ورزند.

مقدمه :

زن در نهج البلاغه ترسیم طراحی یک بعدی از چهره کامل زن در قرآن است . ما در نهج البلاغه با عباراتی همچون عقرب ، شر ، ناقص العقل ، ناقص الایمان و ... وصف شده اند و اکثر شارهان نیز در مقام اثبات این فرضیات برآمده اند نه در مقام تفسیر.

پس در این میان آیات قرآن چه می شوند؟

مگر نه این است که ملاک شناخت سخنان ائمه در احادیث و دعاها هماهنگ بودن مفاهیم و معانی آنها با قرآن و احکام الهی است. که در قرآن ماهیت زن و مرد چنین بر شمرده شده است: ((ای مردم پروا کنید از پروردگارتان که شما را از نفس واحد (یک چیز) آفرید و زوجش را از همان چیز آفرید .)) (سوره نساء آیه ۱))

خداوند در قرآن مردان و زنان را در همه صفات عالی انسانی یکی دانسته به عنوان مثال مردان مسلمان و زنان مسلمان ، مردان مومن و زنان مومنه و

با توجه به دلایل و آیه بالا مشاهده می شود که خداوند نه تنها زنان را پایین نیاورده بلکه در مواردی نیز آنها را عزیز شمرده است. با توجه به دلایل ذکر شده ما به یک تناقض بین سخنان ائمه و قرآن می رسیم که چیزی غیر قابل قبول می باشد و در تناقض با اصل احادیث می باشد. شاید یکی از دلایل به تناقض رسیدن ما نداشتن درک کافی مردان از خصوصیات روحی زن و درکی تجربی و حصولی است. هنوز مسئله روح زن و ماهیت واقعی وی در پرده ای از ابهام قرار دارد که برای روشن شدن این مسئله و برطرف شدن تناقضات عبارات نهج البلاغه در انتظار شاره‌ی راستین است تا باطن آنها را اظهار نماید.

شرحی مختصر پیرامون ماهیت وجودی زن:

زن کیست؟ موجودی مختار دارای هوش، آگاهی، موجودی که خداوند آفرید تا نیمی از بار رسالت انسانیت را بدوش گیرد، موجودی سرشار از عاطفه و احساس!!

زن نقطه تکامل زیباییست تا بدین طریق ظرافت آفریدگار خویش را به رخ مردان کشاند. بیچه می گوید: ((کلمه واحد عشق در واقع دو معنای متفاوت برای مرد و زن دارد. آنچه زن از عشق استنباط می کند به اندازه کافی روشن است. عشق نه تنها دلسپردگی است. ایثار کامل جان و تن است بی هیچ دریغ، بی هیچ فروگذاری، بی چشمداشتی به هر چیز دیگر و این سرشت نامشروط عشق زن، چیزی است که عشق او را به ایمان تبدیل می کند. تنها ایمانی که او دارد.))

از لحاظ روانی زن احساسات بیشتری نسبت به مرد دارد. اما احساسات زن بی ثباتتر از مرد می باشد که یکی از عوامل قاطع نبودن زن در تصمیم گیری هایش می باشد.

زن محتاطتر، مذهبی تر، پرحرف تر و تشریفاتی تر و ظریف تر از مرد می باشد.

از لحاظ جسمی نیز تفاوت‌هایی میان زن و مرد می باشد از جمله زن ظریف تر از مرد است. جنین دختر رشد سریعتری نسبت به جنین پسر دارد. زن در مقابل بسیاری از بیماری‌ها از مرد مقاومتر می باشد به نظر پزشکان ضربان قلب زن سریعتر از مرد است.

مغز متوسط زن نسبت به مرد کوچکتر است.

اما اگر به عمق مسئله پی ببریم متوجه می شویم که هر دو یکسانند و هیچ تفاوتی با یکدیگر از لحاظ هویت انسانی و شخصیت آدمی ندارند.

در ادامه بحث به بیان تفسیرهای مختلف و برداشت‌هایی که از خطبه ۸۰ نهج البلاغه می شود می پردازیم.

هیچ جای تردید نیست که مقصود از ((نقص)) در کلام امام علی(ع) کاهش ارزش انسانی نیست، بلکه بیان حد زن در برابر حد مرد است که نمایش نقص کمی دارد نه نقص کیفی که ملاک ارزش‌هاست در واقع اگر در بعضی موارد خلقت نقصی مشاهده می شود، همان نقص نسبی است نه مطلق که خود در مقایسه با کل نظام هستی کمال است. و به قول مولوی:

پس بد مطلق نباشد در جهان بد به نسبت باشد، این را هم بدان

اگر ما در مواردی نقص را نسبت به زنها احساس می کنیم به ابعاد و زوایای دیگر زندگی نظر بیفکنیم ، خواهیم دانست که تکامل جامعه و انسان بستگی به علل و عواملی دارد که این نقص مقطعی لازمه آن است.

از نظر استاد مطهری ((خوب بودن یک قانون اجتماعی به این است که مصلحت افراد و مصلحت اجتماع را توأم در نظر بگیرد و حق جمع را بر حق فرد مقدم بدارد و آزادیهای فرد را تا حد امکان تامین نماید .

اما تامین همه آزادیهای افراد ناممکن است و لهذا خوب بودن یک قانون از این نظر یعنی از نظر تامین آزادی ها نسبی است.

زیرا تنها بعضی از آنها قابل تامین است . قانون خوب آن است که حداکثر آزادیهای ممکن را تامین کند .)) در ادامه این مقاله به تفسیر نقصهایی می پردازیم که در خطبه ۸۰ بیان شده بود.

الف : نقص ایمان زن :

ابتدا به تعاریف مختلف ایمان می پردازیم

۱- ایمان صرفاً مسئله اعتقاد جازم و عقیده قلبی و یقین فکری اطلاق می شود که ناشی از تفکر و استدلال و دیگر ابزار شناخت است . انسان بدون هیچ گونه آموزشی به چنین باورهایی رسیده و بر آنها تکیه می کند.

۲- ایمان به معنای عمل و مسئولیتهای ناشی از عقیده می باشد . که این نوع ایمان ناشی از اعتقاد قلبی انسان است و به نحوی هدایت گر چگونگی اعمال انسان می باشد.

۳- ایمان به معنای عمل انسان و مسئولیتهای حاکی از اعتقاد است که این نوع اعتقاد یا ناشی از باورهای مذهبی می باشد یا ناشی از عملکردهای فرهنگی

۴- ایمان به معنای عمل و مسئولیت هایی است که در مقوله های حقوقی و در نظام ارزش و به تعبیر دیگر در شرع از انسان خواسته اند به این گونه مسئولیت ها که شرع بر اساس عقاید انسان از او طلب می کند ایمان گفته می شود.

با کمی تفکر در خطبه متوجه می شوی که ایمانی که امام به آن اشاره دارد از این نوع ایمان می باشد . زیرا کمترین دلیلش این است که با توجه به وضعی که زن در هنگام عادات ماهیانه اش پیدا می کند . نقص در ایمانش بوجود می آید و نقصانی که زن در این هنگام در وظایفش پیدا می شود نه از مقام و منزلت زن می کاهد و نه ارزش او را پایین می آورد بلکه دقیقاً به معنای مسئولیت هایی است که بر عهده زن گذاشته شده .

ابن میثم در کتاب شرح نهج البلاغه چنین می نویسد که ((علت سلب نماز و روزه که از ارکان ایمان می باشند در این ایام خاص از زنان به دلیل نقص در ایشان می باشد و سبب نقص ، حالتی است که مانع قرب معنوی مشروط در عبادات می شود.

به هر حال شرط پذیرش ایمان از انسان کمیت آن نیست بلکه کیفیت آن است بطور کلی تمام عبادات از شرایط ایمان و از آثار خارجی آن می باشد و شرط قبولی این عبادات حالت درونی و روحی مومن است نه کم یا زیاد بودن آن .

که اگر کمیت هم مطرح باشد شاید شش سال زودتر به سن تکلیف رسیدن زنان نسبت به مردان به همین علت باشد تا آنها نیز با توجه به محدوده زمانی وقت کمتری برای عبادات نسبت به مردان نداشته باشند و راهی باشد برای جبران نقصان ایمانشان.

ب : نقص عقل در زنان

در ابتدا به تعریف معانی اصطلاحی عقل می پردازیم .

۱ - عقل در اصطلاح مبدء ادراک و تفکر انسان است ، یعنی عقل مبدای است که ادراک تفکر از آن می جوشد و باعث کسب علم می شود .

۲ - عقل به معنای تفکر است یعنی خود آن تفکر و تعقل و ادراکی را که خاصیت مبدء انسانی و مبدء شعور است عقل می نامند.

۳ - عقل به معنای پیامدهای تفکر است ، آن حالت هایی که برای انسان بر اساس تفکر و تعقل پیش می آید مثل ، صبر و استقامت.

۴ - عقل شناختن است که برای جلب سود و دفع ضرر به کار می رود .

ابن میثم بهرانی در کتاب شرح نهج البلاغه خود می نویسد : ((نقصان عقل در زنان یک سبب داخلی (فیزیولوژیکی) دارد و یک سبب عارضی ، اما سبب فیزیولوژیکی آن نقص استعداد بدنی و ناتوانی آنها از جهش های فکری است و این برخلاف مردان است علت اینکه شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد اعتبار دارد این است که اگر یکی از آنان دچار فراموشی شدند زن دیگر آن را یادآوری کند که این فراموشی مربوط به همان سبب ذاتی آنهاست .

اما سبب عارضی نیز در این مسئله وجود دارد و آن کمی معاشرت زنان با اهل عقل و کمی ورزش قوای جسمانی آنهاست لذا آنان بیشتر تحت سلطه قوای جسمانی هستند تا قوای عقلانی)) بدین سبب است که زنان رقیق القلب تر ، گریانتر ، ناتوانتر و به مکر نزدیکتر هستند و بدین دلیل تدبیر الهی اقتضاء می کند که مردان بر زنان تسلط داشته باشند و با عقل خود زندگی آنان را اداره کنند . طبق آیه زیر از قرآن کریم :

((الرجال قوامون علی انساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقو من اموالهم))

ج : نقص زنان در بهره اقتصادی زنان :

خداوند در آیه ۱۱ سوره نساء چنین می فرماید :

((خداوند در باره فرزندانان به شما توصیه می کند که سهم مرد برابر سهم دوزن می باشد .))

پس سومین مورد اختلاف زن با مرد در نظام های اجتماعی مسئله ارث است .

تعریف ارث:

ارث یعنی مالک شدن زنده ای ، مال مرده ای که از دیدنی ترین آداب جوامع بشری می باشد که به مرور زمان به تکامل رسیده است .

ارث در ملل متمدن:

ارث در میان ملل متمدن مانند رومی ها به این گونه بود رومی ها برای خانواده استقلال تامی قائل بودند ، استقلالی که او را از جامعه منفرد می کرد و مانع نفوذ حکومت عمومی در بیشتر

حقوق اجتماعی افراد آن خانواده بود. بزرگتر خانه یا خدای خانه که مالک زن و فرزندان و بندگان خانه بود معبود خانه به حساب می آمد. هنگامیکه خانواده چیزی را به ارث می برد مثلاً یکی از پسران که ثروتی داشت می مرد تمام ثروتی را که با اجازه رئیس خانواده کسب کرده بود را برای مالک خانواده می گذاشت زیرا مقتضای خداوند گاری و مالکیت مطلق او در خانواده اش همین بود.

ارث در اعراب جاهلیت:

پیش از اسلام و دوران جاهلیت اصولاً زنان و پسران خردسال از ارث محروم بودند زیرا ملاک آنها برای ارث بردن قدرت جنگیدن بود که بر همین مبنا، مردانی هم که قدرت جنگیدن نداشتند از ارث محروم می کردند.

دلیل برتری سهم ارث مرد بر زن:

نظام ارزشی اسلام بر تقوا استوار است نه مرد یا زن بودن پس در مواردی که مرد دو برابر زن ارث می برد ذکر این دلایل خالی از لطف نیست:

اول اینکه زنها که اداره شئون خانواده را بر عهده می گیرند از شرکت دائمی در مسائل اقتصادی جامعه و ورود در انواع گوناگون آن مسائل معذور می باشند. لذا تهیه وسایل معیشت آنان بر مردان واجب است و این مردان هستند که بار سنگین مخارج خانه و خانواده را بر دوش می کشند و زنان تحت تکفل آنان می باشند از طرف دیگر مردان نسبت به زنان بیشتر در معرض نوسانات اقتصادی و سود و زیان آن می باشند.

روایات پیرامون نقصان ارث در زنان:

از امام صادق(ع) سوال شد که چرا زن نصف مرد ارث می برد، فرمودند: زیرا بر زن جهاد و پرداخت نفقه واجب نیست در حالی که این امور بر مردان واجب است. پاسخ امام حسین (ع) به این سوال این است که چون خداوند برای زنان مهریه قرار داده است پس سهم ارث آنان نصف مردان می باشد.

پاسخ امام رضا (ع) به این سوال چنین است که زن اگر ازدواج کند مالی می گیرد ولی مرد اگر ازدواج کند مالی می پردازد و علت دیگر آن است که زن جزء عائله مرد است، اگر محتاج باشد بر عهده مرد است که نفقه و سایر مخارج او را بدهد و بر زن چنین چیزی واجب نیست از این جهت حق مرد بیشتر است.

مواردی که قانون سهم الارث نقض می شود:

۱- اگر وارث میت، فقط پدر و مادر و یک پسر باشد مال شش قسمت می شود چهار قسمت را پسر و هر یک از پدر و مادر یک قسمت را می برند.

۲- اگر میت، چند برادر و خواهر مادری شته باشد مال بطور مساوی میان آنان تقسیم می شود.

۳- سهم الارث فرزندان برادر و خواهر مادری میان زن و مرد مساوی تقسیم می شود.

۴- اگر وارث میت، منحصر به جد و جده مادری باشد مال میان آن دو مساوی تقسیم می شود.

۵- اگر وارث هم دائی باشد و هم خاله و همه آنها پدر و مادری یا پدری و یا مادری باشد مال بطور مساوی میان آنان تقسیم می شود.

نتیجه گیری :

نتیجه کلی که از این مقاله می توان گرفت که هر کدام از سخنان ائمه معصومین بر طبق اسناد الهی استوار بوده و صرفاً برای برقراری حق در جامعه بیان شده اند لذا بر عالمان و صاحب نظران ما واجب است که به تفسیر صحیح این احادیث پرداخته تا مانع از برداشتهای ناصحیح از این روایات شوند و بر مردم عادی واجب است تا این تفسیرها را آموخته و بکار گیرند تا مانع از بروز انحرافات در نظام اسلامی جامعه شوند .

به امید ظهور مفسر راستین دین اسلام

منابع:

- ۱- نهج البلاغه - خطبه ۸۰
- ۲- پیام امام امیرالمومنین (ع) - شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه نوشته آیت الله مکارم شیرازی صفحه ۲۸۷ تا ۳۰۲
- ۳- زن از دیدگاه نهج البلاغه - نوشته فاطمه علائی رحمانی صفحه ۱۳ تا ۱۵۳